

سکوت نکنیم!

تعرض به حقوق مهاجران محروم افغانستانی را قویا محکوم است!
امیرجوهری لنگرودی



حادثه سازماندهی شده و یکدست عوامل ریز و درشت جمهوری اسلامی در نمایش خیابان های کشور، با به کار گرفتن رکیک ترین الفاظ و برپا داشتن افغان ستیزی آشکار، خود بیان نمایش مسخره دیگری را بشکل عریان در برابر چشمان همگان عیان می سازد

جمهوری اسلامی بر بستر حادثه آفریده شده در مشهد، با حواله کردن بحران اقتصادی ناشی از ناکارآمدی و بی عملی همه جانبه خودش به افغانستانی های شریف، موج شبه فاشیستی تازه ای را به راه انداخته است تا تمرکز مبارزه همه جانبه مردم به پاخاسته علیه تناقضات همه جانبه خودش را به سوی مهاجران خارجی منحرف نماید که آتش باختیارانش در هر کوی و برزنی افغان های شریف را نشانه روند. ما برآنیم که در برابر این منظره زشت و نامطلوب جامعه ایران نباید سکوت نمود!

این مجموعه تهاجم شبه فاشیستی از یکسو، نشان از حرکات ضد انسانی و نژاد پرستانه نظام جمهوری اسلامی، و از دیگر سو، بیانگر اوج استیصال و واماندگی ارادل و اوباش امنیتی و لمپنیسم جا گرفته در جامعه ایران می باشد.

هر کدام از این دوسوی درگیر در راستای پاسخگویی به خواست های بیواسطه مهاجرین افغانستانی که از دست طالبان حاکم بر کشورشان به ایران داعش حاکم بر فضای آن به پناه آمده اند، مردم ما به خوبی دشوار های مردمان همسایه خود را می شناسند و از درجه خشم و عدم رضایت یکایک آنها نسبت به شرایط غیر انسانی، تحمیلی و فلاکت باری که سرمایه داری جهانی به زعامت ایالات متحده آمریکا و همپاله گی های آنان در سطح کشورهای معظم سرمایه داری اروپا بر آنان تحمیل نموده اند آگاهند. در این میان همسویی حاکمان کشورهای منطقه (پاکستان - ایران) و به نحوی سکوت ترکیه در جانب داری از طالبان و گشاد دستی آنان در پیشروی دوره اخیر آنان در کل حیات افغانستان بر یکایک مردمان افغان و خاصه جوانان دختر و پسر وارد آمده با اطلاع اند.

گفتنی ایست جمهوری اسلامی ایران در طی بیش از چهار دهه حکومتگری، مذبحخانه تلاش می کنند که مهاجران افغانستانی، این جان سخت ترین و مظلوم ترین و بی حقوق ترین بخش طبقه کارگر ایران را سپربلای خشم کارگران «ایرانی» در به انحراف کشاندن مشکل بیکاری و معضل بیکار سازی های گسترده کارگران در ایران معرفی نمایند و اینگونه استدلال می نمایند که این کارگران افغانستانی اند که فرصت های شغلی را گرفته اند و باعث بیکاری کارگران ایرانی اند. عین ادعای همه احزاب شبه

فاشیست در اروپا و این اواخر در هلند و اسکانديناوی ، همه نارضايتی های موجود و خاصه بحران های اقتصادی و بيکاري را محصول وجود ما خارجی ها معرفی می کنند تا مردم را در برابر ما قرار دهند . در ایران در مقابل حاکمیت و همپاله گی های آنان ، آندسته از مردمی که در برابر همه بحران های آفریده شده حاکمیت به شکل آگاهانه و ناآگاهانه ، به نوعی بازچه حکومت گران شده و همه دشواریهای روزمره زندگی را بانفرت افروزی و نوعی آزار و تحقیر آفرینی به مهاجران افغانستانی به هربهانه ای نسبت می دهند ، باید به شکل شفاف و روشن و آشکار محکوم گردد .

تهاجم امروز از سویه های مختلف به تمامی زنان و مردان زحمتکش مهاجر افغان که خود فوج عظیم نیروی کار در بخش آجر پزی و بسته بندی توسط زنان افغان به کمترین حقوق انجام می پذیرد و بخش ساختمانی و مقنی گری و زغال پزی ، رفتگری خیابان ها توسط مردان افغان را در ایران پوشش می دهند ، هم اینان امروز همچون دیروز گوشت دم توپ سرمایه داری حاکم بر ایران بشمار می روند ، تا از قبل به کار گرفتن ارزان و قراردادی سفید امضاء ، از آنان چماق بحران بيکاري را لاپوشانی نمایندو هر آنگاه که لازم افتد با تهاجم به حقوق آنان با سلب امنیت و زیر گرفتن موقعیت حق شهروندی آنها ، عرصه را به کل خانواده زحمتکش افغان تنگ تر سازند و آنها را به بازگشت اجباری به افغانستان جنگ زده و تهاجم همه جانبه طالبان ، زیر فشار قرار دهند .

امروز زحمتکشان زن و مرد و کودکان و جوانان افغانستانی در تاریک ترین وضعیت ممکن به سر می برند و به عریان ترین شکل در تعقیب اذیت و آزار دائمی در ایران می باشند تا فضاحت سیاست بيکارسازی کارگران را به دوش این نیروی زحمتکش مهاجر بیاندازند . از اینرو سکوت در برابر تمامی جنایات دستگاه حاکمیت اسلامی و دولت کارگزار آن در قبال مهاجران افغانستانی برابر با هم آوایی و همدستی با فاشیسم مذهبی است . نباید سکوت نمود ، باید فریاد کشید ، افشا نمود ، و با این سطح از رذالت برخورد با زنان افغانستانی در هرکوی و برزنی به جدال برخاست . لازم است گروههای حامی افغان ها در محلات سازمان داد و به این ترتیب با هر سطح توهین و ناسزا گویی به زنان و دختران و پسران مهاجر افغانستانی پایان داد . با آن دست از آدم نماهای مدعی یا ناسیونالیست های الدنگی که این خباثت ها و جنایات را تایید می کنند تا کمر در برابر یک اروپایی مو بور خم می شوند و کرنش می نمایند به جد به مبارزه و مخالفت دست زد .

باید با صراحت اعلام نمود: بد رفتاری بیمانندی که طی بیش از چهار دهه با کارگر افغانستانی در ایران توسط سیستم سرمایه داری حاکم و بخش تالانگر خصوصی رانت خوار و پیمانکاران شهرداری ها صورت گرفت ؛ هیچ چیز جز تحمیل حقارت بارترین فشارها در عرصه کار و زیست برای این مردم شریف و بی ادعا و کم هزینه بدنبال نداشته است . افغان های زحمتکش ، مردمانی قانع ، ساده ، صمیمی و خوش بیان ، بی آلايش و بی پیرایش اند که طی دوره اخیر با بازگشت طالبان ، در گروههای پُرشمار از افغانستان فراری و عازم مرزهای ایران شده اند . ما که خود تجربه حاکمان نا انسان داعشی را به تلخ ترین شکل در زندگی روزمره خود تجربه کرده ایم . باید با آغوش باز افغانستانی های که بدلیل جنگ و نا امنی مجبور به فرار از کشور خود و پناه گرفتن در سطح کشورهای همسایه خود شده اند . ، با گرمی و انبساط خاطر در بغل بفشاریم و آنان را همزبانان و هم رنگ خویش ببنداریم و در برابر توهین ، اذیت و آزار آنان سکوت ننمائیم و سرکوب یکایک آنان را قویا محکوم سازیم !!